

متن نامه دوم رهبر حزب پان ایرانیست

مسئولیت خطیر نظارت بر کلیه حوادث ووقایعی را بعهده‌دارید که در هر گوشه‌ای از جهان و بویژه در قلمرو دول‌عضو ملل متحد به‌وقوع می‌پیوندد که این‌حوادث بنحوی از انجا مباین و معارض با مرام و اصولی باشد که دول‌عضو مقید بر عایت و اجرای آن می‌باشند اینجانب در نامه ارسالی خود با اقدامات مشترک معموله از طرف دولت جمهوری متحده عربی و دولت عراق اشاره نمودم که نه تنها خود تهدید بصلح و امنیت منطقه‌ای و ناقضی مقررات اعلامیه جهانی حقوق بشر و تهدید آشکار برای تجاوز به آب‌ها و ساحل‌ها و تمامیت ارضی دولت شاهنشاهی ایران بوده است بلکه نتایج حاصله از آن اقدامات بنحوشدید تری همه خصوصیات فوق‌الذکر را در بر گرفته است.

در بند الف وب قسمت سوم از نامه ارسالی خود خاطر آن جناب را بچگونگی این اقدامات ناقضی مرام ملل متحد و مقررات منشور سازمان ملل که با مشارکت دول جمهوری متحده عربی و عراق صورت گرفته بود معطوف داشتم که اکنون اجازه می‌خواهم برای تذکارتی مجدد آن دو قسمت را در این نامه نیز منعکس نمایم :

الف — در کشور عراق مردمی زندگی میکنند که اکثریت آنان غیر عرب میباشند . در این کشور در حدود پانصد هزار تبعه دولت شاهنشاهی ایران و متجاوز ازدومیلیون کرد ایرانی نژاد و جماعت انبوهی دیگر غیر عرب بسر میبرند واز پنج میلیون جمعیت کشور عراق تنها اقلیتی از آن اعراب میباشند .

اصولا همانگونه که حوادث ووقایع یکصد و پنجاه سال اخیر که بدنبال نفوذ سیاست‌های استعماری اروپا در آسیا به‌وقوع پیوست منجی بتغییرات غیر طبیعی اصولی در تقسیم بندیهای سیاسی این منطقه گردیده که از آن جمله طرح ایجاد دولت عراق پس از جنگ جهانی اول میباشد . بهمان جهات نیز حکومت این منطقه را در اختیار اقلیت عرب قرار دادند که این امر خود تجاوز آشکار به حقوق اساسی انسانی و سلب حقوق حقه اکثریت مردم کشور عراق بوده است .

از آنجا که اکثریت مردم کشور عراق همواره برای اعاده حقوق اساسی و تاریخی از دست رفته خود کوشش‌های پیگیر داشته‌اند هدف اقلیت عرب حاکم بر کشور مزبور این بوده است که با نهایت شدت برای ریشه کن ساختن این جنبش‌ها مبادرت نماید . به همین جهات مبارزه با زبان و آداب و فرهنگ اکثریت غیر عرب سرزمین عراق ، کوشش برای از بین بردن آثار تاریخی موجود در عراق ، تهدید و تجاوز بسازمانهای فرهنگی ایرانیان بقمیم عراق ، ممنوعیت بر گذاری اعیاد و مراسم ملی و مذهبی ایرانیان و ایرانی نژادان سرزمین عراق همواره وجهه همت دولت عراق بوده است و بر استی می‌توان گفت که تاریخ حیات دولت عراق از ابتدا تاکنون مصداق صریح و گویائی است از نقض حق حاکمیت مردم و نقض حقوق اساسی انسانی.

با توجه بر مائیتی که در بالا آورده شد و با توجه باینکه تقاضا و کوشش بحق اکثریت غیر عرب مردم عراق برای دخالت در سر نوشت خود شدت بیشتری پیدا کرده است ، اقلیت عرب این سرزمین که بجبر و عنف حکومت را در اختیار گرفته است برای آنکه بطور اساسی جنبش‌های اکثریت مردم عراق را خاموش سازد و سرزمین عراق را بیک منطقه در بست عرب نشین تبدیل نماید ، به تشکیل فدراسیون عربی با دولت مصر مبادرت نمود و بدنبال قراردادهای دیگر قوای زرهی جمهوری متحده عربی را در عراق متمرکز ساخت .

ب — ایجاد ستاد فرماندهی واحد جمهوری متحد عربی و عراق و استقرار قوای زرهی عبدالناصر در عراق گذشته از آنکه بخشی که بیان گردید از نظر حقوق غیر عرب مردم عراق مباین با مرام ملل متحد و بخاطر سلب حقوق بیشتری از آنان و تمهیدی برای اجرای طرح عربی ساختن در بست عراق است ، اصولا دارای هدف تجاوز و سرریح و آشکار به آب‌ها و ساحل‌های ایران و همچنین استان جنوبی ایران (خوزستان) میباشد — کما اینکه پس از استقرار قوای زرهی نه تنها ادعای بی‌اساس و پوچ عربی بودن خوزستان از رادیو قاهره و بغداد عنوان میگردد و روزنامه‌های وابسته به عبدالناصر و دولت عراق آشکارا این نیات تجاوز جویانه را دامن میزند ، بلکه اخیرا کنگره‌ای از حقوق دانان عرب در بغداد تشکیل گردیده که با گستاخی بسیار لزوم الحاق خوزستان را به « میهن عربی» مطرح ساختند .

هر چند ملت ایران خود پاسخ این زائخوانی‌ها را میدهد ، هر چند تاریخ چند هزار ساله این منطقه از جهان و اکثریت غیر عرب عراق و وجود طاق کسری و تیسفون که از مراکز مدنیت ایران میباشند، در کنار بغداد خود پاسخ گویای این باوه گوئی‌ها میباشد اما آنچه مسلم است این تبلیغات تجاوز آمیز میرساند که قراردادهای مورد اشاره بقصد تجاوز بحق ملت ایران و تمامیت اراضی ایران منعقد شده‌است. بنابراین با توجه باینکه نگاهداری صلح و امنیت منطقه‌ای و جلوگیری از هرگونه اقدامی که جنبه تهاجم و تجاوز داشته باشد و همچنین رعایت حقوق اساسی انسانی بنحوی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر منعکس است مرام ملل متحد میباشد، بنحوی آشکار است که قراردادهای تنظیمی فیما بین دولت جمهوری متحده عربی و دولت عراق کلا مباین و مغایر با مرام ملل متحد است .

اکنون که یکسال و اندی از تاریخ ارسال نامه فوق‌الذکر بحضور آن جناب میگذرد ، در این مدت بدنبال اقدامات مشترک سرهنگ جمال عبدالناصر و حکومت عراق، حوادثی در این منطقه به‌وقوع پیوسته‌است که همان نتایج پیش‌بینی شده در نامه قبلی است . استمرار و وقوع این حوادث بیش از پیش تهدید بصلح منطقه‌ای و نقض مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول و مرام ملل متحد میباشد زیرا ،

۱— حکومت عراق برای اجرای سیاست «تبدیل تمامی سرزمین عراق بمنطقه در بست عرب نشین» دست بیک تجاوز جنگ خونین نژادی در سرزمین عراق زده است .

نکته شایان توجه این است که این سیاست شوم نژادی ، نه تنها با مشارکت دولت جمهوری متحده عربی و در نتیجه بوسیله فدراسیون عربی در سرزمین عراق دنبال میگردد ، بلکه در سرتاسر خلیج فارس و مناطقی دیگر از آسیای میانه نیز چنین سیاست شوم نژادی دنبال میگردد که در تمامی این حوادث دولت جمهوری متحده عربی دخالت و نفوذ و مسئولیت مستقیم دارد .

۲— حکومت عراق برای اجرای سیاست نژادی فوق‌الذکر بوسیله آخرین تجهیزات نظامی و قدرت آتش، اکثریت غیر عرب سرزمین عراق و بویژه کردهای این منطقه را مورد تجاوز و یورشهای یبگیر خود قرار داده است .

خاک و خون

دولت عراق تنها هیچ يك از حقوق اولیه انسانی را که هر يك از دول عضو ملل متحد مکلف بر عایت آن هستند نسبت با کثرت غیر عرب ساکن قلمرو خود رعایت نمینماید، بلکه هر روز بر روی خانه‌ها و روستاها و مردم بدون دفاع غیر عرب سیل گلوله و بمب آتش را روانه می‌سازد .

۳— دولت عراق برای اجرای سیاست نژادی و پیروزی در جنگ شوم خونین نژادی که در قلمرو خود ایجاد کرده است از سیاست « زمین سوخته » پیروی میکند ، بدین کیفیت که مزارع و روستاها ، آبادی‌ها و قراء و قصبات مردم غیر عرب قلمرو خود بویژه کردهای ایرانی نژاد را پس از ویران ساختن، با بمبهای های آتش زای « ناپالم » و وسایل دیگر می‌سوزاند که به ناچار آن تعدادی از ساکنان این مناطق که از چنگال مرگ گریخته باشند، باید بکوچهستانها پناهنده گردند .

«سیاست زمین سوخته» سیاستی است که دولت عراق پس از الحاق بفدراسیون عربی در این سرزمین دنبال نموده‌است و بدنبال اجرای چنین سیاسی تنها در یکسال اخیر دویست و شصت آبادی گردنشین در پنج استان « سلیمانیه—کرکوک—اربیل—موصل و دیالی با آتش کشیده شد و در حدود یکصد و پنجاه هزار از ساکنان این آبادیها بکوچهستانها متواری شده‌اند.

سیاست «زمین سوخته» نسبت به آبادیها و قرا و قصباتی دیگر نیز که دیگر مردم غیر عرب در آن ساکن بوده‌اند دنبال گردیده است ؛ از جمله آبادیهای آشوری نشین نیز مشمول این سیاست نژادی و ننگین گردیده‌است.

اکنون در این نامه از ذکر جزئیات امر در این خصوص خود—داری می‌گردد و نظر آن جناب را به‌نامه آقای مصطفی بارزانی رئیس انجمن فرماندهی رستاخیز ملی کردستان عراق و رهبر حزب دموکراسی کردستان جلب مینمایم که در تاریخ ۱۶۶۶/۱/۱ بحضور آن جناب ارسال داشته است که در نامه مزبور و مضامات آن فهرست کاملی از قرا و قصباتی که توسط ارتش عراق به آتش کشیده شده است و نیز تلگرافاتی که مقامات مسئول حکومت عراق برای آتش زدن آبادیهای گردنشین بواحدهای ارتش مخا بر نهاده‌اند ذکر گردیده‌است

۴— گذشته از مواد فوق‌الذکر و گذشته از آنکه سیاست «زمین سوخته» خود حاکی از اقدامات ناقض حقوق انسانی و معارض با مرام ملل متحد است که از سوی حکومت عراق با مشارکت دولت جمهوری متحده عربی و قوای نظامی آن دولت که مقیم عراق است صورت میگيرد ، اصولا حکومت عراق در جنگ نژادی خود علیه کردها و دیگر مردم غیر عرب دست بهمان اقدامات ضد انسانی زده‌است که حتی در میدانهای جنگ و میمان قوای دو طرف متخاصم که از دو کشور مختلف باشند نیز جایز نیست .

دولت عراق به بیمارستانهای کرکوک، موصل و اربیل و دیگر واحدهای بهداشتی خود دستور داده‌است از قبول بیماران کرد خودداری کنند .

در این جا خاطر آن جناب را باین نکته غم‌انگیز معطوف میدارد که این دستور نه تنها در مورد رزمندگان کرد میباشد که به ناچار برای دفاع از هستی و شرف و زندگی خود مسلحانه از خویش دفاع مینمایند، بلکه این دستور ناظر به آن زنان و پسر—مردان و کودکانی است که بلا دفاع و بدون سلاح مورد تهاجم قوای نظامی عراق ویا حملات پیاپی جنگنده‌های دولت عراق قرار گرفته‌اند . بیمارستانها و واحدهای بهداشتی حکومت عراق از قبول و معالجه چنین بیماران و مصدومین نیز خودداری میکنند . این است آن اقدامات ضد انسانی و ناقض مرام ملل متحد که بیشک در جنگهای خونین جهانی نیز هیچ طرف متخاصمی تاکنون بنانجام آن رضایت نداده‌است.

۵— دولت عراق همچنان حقوق انسانی صدها هزار اتباع دولت شاهنشاهی ایران از آنان سلب مینماید. انواع ایدها و آزار و اقدامات ناقض حقوق انسانی نسبت با ایرانیان ساکنین عراق صورت میگيرد که هدف این اقدامات که دقیقا با مشارکت و راهنمایی سرهنگ جمال عبدالناصر صورت میگيرد این است که ایرانیان را وادار کنند تادست از کار و کسب خود بکشند و ناچار به ترک سرزمین آ‌پا و اجدادی خویش گردند و در واقع این اقدامات نیز مکمل همان برنامه و سیاست نژادناست که فدراسیون عربی در سرزمین عراق دنبال میکند.

بنابراین آن جناب عنايت بفرمایند که اکنون در سرزمین عراق اقدامات هولناک و سیاست خونین نژادی دنبال میگردد که حتی در حکومت یاقیان اسمیت نیز نمیتوان نشانه‌هایی از آن یافت.

۶— هم‌ا‌هنگ با اجرای این سیاست نژادی در سرزمین عراق با مشارکت و راهنمایی دولت جمهوری متحده عربی اقدامات تجاوز آمیزی علیه دولت شاهنشاهی ایران صورت گرفته‌است از آن جمله، الف — پس از الحاق دولت عراق بفدراسیون عربی و مستقر ساختن نیروهای زرهی دولت جمهوری متحده عربی و دیگر واحدهای نظامی آن دولت در کشور عراق یک سلسله اقدامات وسیع که آشکارا ناظر بر تجاوز بتمامیت ارضی ایران بود صورت گرفت که گذشته از مورد خلیج فارس و حقوق تاریخی و قطعی ملت ایران در خلیج فارس ، استان جنوبی ایران (خوزستان) هدف این اقدامات تجاوزکارانه قرار گرفت .

در نامه قبلی به پاره‌ای از این اقدامات و تبلیغات اشاره گردیده بود، اکنون خاطر آن جناب را باین نکته نیز معطوف میدارد که گسترش این اقدامات با تبحر رسیده‌که از سوی دولت عراق و با راهنمایی جمهوری متحده عربی بقصد تجزیه استان خوزستان و در بندر بصره و تحت نظارت سازمان امنیت دولت عراق سازمانی بنام «الجهت—التحریر» بوجود آمد تجزیه خوزستان را که یکی از مراکز شاهنشاهی دیرینه ایران و از کانونهای مدنیت و فرهنگ ایران زمین میباشد بنام واهی «اقلیم عربستان»؛ هدف خواسته خود قرار داده . این سازمان که بوسیله تعدادی مزدور عراقی و جاسوسهای مصری تشکیل گردیده است صریحا از حمایتهای مادی و سازمانی و معنوی فدراسیون عربی و در نتیجه دولت عراق بر خوردار میگردد .

چنین اقدامات نشکین و تجاوزکارانه‌ای روشنگر مامیت دیگر اقدامات فدراسیون عربی و دولت عراق در این منطقه میباشد .

ب — اقدامات و توطئه‌های حکومت عراق و جمهوری متحده عربی بدانجا رسیده که بالاخره واحدهای نظامی و جنگنده های ارتش عراق روز شانزدهم آذرماه مصادف با هفتم دسامبر ۱۹۶۵ پاسگاه «تنگ حمام» و قریه «شیخان» را مورد تجاوز و بمباران قرار دادند . این تجاوزات قوای مسلح و جنگنده های ارتش عراق در دفعات دیگر و نقاط دیگر نوآرمرزی ایران ، نیز تکرار گردید و بدینسان تجاوزی صریح و آشکار از سوی نیروهای مسلح عراق علیه دولت ایران صورت گرفت .

موارد فوق‌الذکر بنحوی آشکار می‌سازد که اکنون در این

صد گونه تماشاشا

«چند شب پیش از یکی ازخیزا بنهای شمالی شهر تهران میگذشتم منازم جالب و مدد رنی با يك نام غلیظ خارجی توجه مرا جلب کرد، حس کنجگویی تحریک شد و پشت و پترین منازده ایستادم «اجناس این منازمه عبارت بود از فرشتهای ماشینی خوش رنگ و بافت و اتفاقاً در منازمه هم چند نفر مشغول خرید این فرشتها بودند ، **یادم افتاد مدتی قبل مقاله‌ای در یکی از جراید خواندم که در آن توصیه شده بود که دولت از بافتن اینگونه فرشتها جلو گیری کند و اتفاقاً در اثر حسن نظر او لیامد دولت وقت از کار این کارخانه جلو گیری شد ولی نمیدانم دوباره چه‌شده که این کارخانه شروع بکار کرد و باز شروع به بافتن اینگونه فرشتها نمود ؟!**اگر تولید و عرضه این فرشتها به صنعت قالی بافی مملکت ضرر میزد که در آن زمان از بافتش جلو گیری شد آیا حالا این ضرر متوجه این صنعت نیست ؟»

ملاحظه کردید که این پرسشی است بسیار منطقی و درست که هرگز هیچ پاسخ درست و منطقی نخواهد داشت اما تنها این مورد نیست که مسئولان امر ابتدا که گاه به سخنان و انتقادات منطقی توجه میکنند و از انجام امری که منافعی مصالح و شئون ملت ما است جلو گیری میکنند ، اما معلوم نیست سپس **چه حوادثی ؟ ! و چگونه و قایعی ؟!** رخ میدهد که اشکالات قبلی بر طرف میگردد و آنان که باید به قیمت زیر پا گذاردن مصالح ملت ایران و یا هتک حیثیت ملی سود بسیار برند و بر خرماد سوار می‌شوند ، از آنجمله است داستانی که موضوع صحنه دوم است .

مردم بشتابید جایزه هم میدهند !

در سینماهای تهران نمایش داده خواهند شد . «**خاك و خون**» مثل موارد دیگر که هرگز هیچگونه اقدام تخدیش کننده، حیثیت ملی ایران را نمیتواند تحمل کند ، زبان با اعتراض کشور که آخر در کجای دنیا ممکن است فیلم زشت ترین چهره‌های دشمنان آن ملت را روی پرده‌های سینما نمایش دهند — دست بر قضا این استدلال گویا مورد قبول و پسند خاطر مسئولان امر قرار گرفت و گفتند که فیلم جنگیز خان را به تهران راه نمیدهیم که «خاك و خون» زبان به تمجید چنین کسانی گشود و این عمل درست را مورد تأیید و ستایش قرار داد— اما روزها گذشت و گذشت و از آنجا که این دنیای خاکی چون سبزی دوار در هر چرخش خود هزار رنگ و چهره دارد، معلوم نیست چه حوادث شگرف ؛ و وقایع مهمی ؛ رخ داد که معلوم شد از نظر متصدیان امر جنگیز خان چندان آدم بدی نبوده است ؛ زیرا اجازه دادند که فیلم این عنصر جنایتکار تاریخ که شهرهای آباد ایران زمین را درهم کوبید و از کله‌های کشته‌های اسلاف من و شما پشته‌ها ساخت در سینماهای تهران نمایش داده‌شود ، بالاخره باردیگر معلوم شد از نظر بسیاری از متصدیان امر سخن منطقی آخر ؛ با سوداگران است و سودجویان — جالب تر و یا غم انگیز تر و یانشنگ تر ، جایزه‌ای است که سوداگران برای تماشا کنندگان این فیلم در نظر گرفته‌اند — اکنون این شما و این هم شرحی که در کنار برگ اعلام جایزه ویژه فیلم جنگیز خان نوشته شده است— سخن را در این خصوص کوتاه میکنیم و…» تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .»

«**جایزه افتخاری فیلم «جنگیز خان»**

کمپانی **کلمبیا** با همکاری شرکت هواپیمائی **ال عال** و سینماهای نمایش دهنده فیلم **جنگیز خان** به تماشاچیان این فیلم ۲ بلیط رفت و برگشت به رم جایزه خواهد داد و در ضمن برندگان این بلیط در **رم** از تاسیسات کمپانی **کلمبیا** و صحنه های فیلمبرداری فیلم‌های که توسط این کمپانی در دست تهیه است دیدن خواهند کرد. این دو بلیط بین تماشاچیان فیلم **جنگیز خان** با حضور نماینده دولت قرعه کشی خواهد شد . تاریخ قرعه کشی نام برندگان توسط جراید اعلام خواهد گردیده.

کرمانشاه — نماینده مطبوعات — آقای فخری بوکان — خیزا بان بیلوی — آقای سالمی سقر — نمایندگی کیهان جنب شهر بانی شادگان — نماینده مطبوعات — آقای قمی بیجار — نمایندگی اطلاعات — آقای فریدونی دیواندره — نمایندگی کیهان — آقای عبدالرحمان تابش پاوه — نماینده جراید — آقای باقر کاظمی شاهی — کتا بفروشی بارسى
آمل — کتا بفروشی اخوان — آقای محمد علی توللی نکا — مطبوعاتی فغانی
بجنورد — نماینده مطبوعات — آقای اسکندر جو نیاس آذر بایجان — نقده — خیابان ۲۵ شهریور — آقای عبداله شافعی
بدینوسیله با اطلاع اهالی محترم اصفهان میرساند که نمایندگی این روزنامه در آن شهرستان بمعهده آقایان ایمانی ومیرشمس میباشد لطفا برای هر گونه امور مربوط بروزنامه بآدرس زیر مراجعه فرمائید ؛
اول آماده‌گاه روبروی هتل شاه عباس —
دفتر نمایندگی روزنامه خاك و خون

۷۴۶۳/م
آگهی مناقصه شماره ۱۳۴۴۴۱
شرکت برق منطقه‌ای تهران— ۳۰ قلم لوازم خط هوائی فشار ضعیف تاکستان (قزوین) را از طریق مناقصه داخلی تحویل انبار شرکت برق منطقه‌ای تهران خریداری مینماید، داوطلبان شرکت در مناقصه میتوانند با پرداخت مبلغ دویست ریال بصدوق شرکت و ارائه رسید آن بداره مناقصهها برگ شرایط ومشخصات مناقصه را اخذ و پیشنهاد خود را تا آخر وقت اداری روز ۱۶/۱۱/۴۴ بصدوق پیشنهادات بپندازند
۲—۲

شرکت برق منطقه‌ای تهران
آگهی تصحیحی
در مورد آگهی پرونده ۸۸۳/۴۴ مربوط به شعبه ۲۱ دادگاه بخش تهران نام خانوادگی معصوم بجای عکبی ترکی اشتباه‌ها علی تر که چاپ شده‌است.
دفتر روزنامه

منطقه حوادث ووقایع خطیری میگردد که نه تنها سلب حقوق انسانی مردمی ستم کشیده میباشد و نه تنها بقصد تجاوز بتمامیت ارضی ایران و بقصد تعدی بحقوق تاریخی ملت ایران در آن منطقه است، بلکه مالا تهدید و تجاوز بصلح و امنیت منطقه‌ای است که ارتباط قطعی باصلح و امنیت جهانی دارد . اینها است جهانی که یکبار دیگر نظر آن جناب را بسیار ضد صلح و ناقض حقوق انسانی دولت عراق و جمهوری متحده عربی و دیگر عوامل وابسته با آنان در این منطقه جلب مینماید. بی‌شک آن جناب بلحاظ مسئولیت خطیری که بعهده دارید مقرر خواهند داشت تا کمیته ها و ارگانهای مربوط سازمان باین امور توجه و دقت و رسیدگی خاصی را معمول دارند .

همراه با آرزوهای قلبی برای پیروزی جنابعالی رهبر حزب پان ایرانیست — محسن پز شکپور چهارم بهمن ماه ۱۳۴۴ خورشیدی برابر با بیست و چهارم ژانویه ۱۹۶۶

شماره ۴۲

خاک و خون

یکشنبه - سه شنبه - پنجشنبه

دارنده امتیاز و مدیر
سر دبیر

سه شنبه ۵ بهمن ماه ۱۳۴۴

محل اداره
بهای آفهی: صفحه اول سطر ۵۰ ریال صفحه آخر
سطر ۴۰ ریال صفحات داخل سطر ۳۰ ریال
چاپخانه بورس ۳۴۹۷۱ - ۳۴۹۵۰ تک شماره ۳ ریال

بقیه سر مقاله

نمی توانستند برای درهم کردن پیدان کانونهای ظلم وستم
این مراکز نفوذ استعماری بردارند .

سالان بسیار بود که رژیم منحوس «ارباب ورعیتی»
سیستم مالکیت بزرگ ، نه تنها خانواده های ایرانی رادر
زیر ضربات مهلک و کشتنه خود گرفته بود و دسترنج آنان را
به یغما میبرد ، بلکه این سیستم کهنه و فرسوده خود پایگاه
مستحکم و وفاداری برای سیاست های ضد ملی و توطئه های
استعماری بود .

مسئله رژیم ارباب ورعیتی و سیستم «مالکیت بزرگ» تنها
از این جهت خسار نابر بود که نوعی از استثمار را از طرف اقلیتی
از مردم برای اکثریت هم میثان ما تحمیل مینمود ، مسئله صراحت این نکته
نیز بود که این سیستم روستاها و مراکز تولید میهن ما را در همان
مراحل بدوی و ابتدائی نگه میداشت ، نکته اساسی تر این است که
«فتودالیسم» بصورت تکیه گاه نظام فاسد حاکمه و محور
همه کانونهای توطئه استعمار گران بود و عوامل وابسته به
سیاست های ضد ملی بود ، هر گجا گردن کشی و مالکی
بزرگ وجود داشت ، نه تنها دسترنج بزرگران را بچیب
خود میریخت ، بلکه اوجازه نمیداد به املاک وسیع خود
راه کشیده شود ، اجازه نمیداد به قلب روستاها نوری از
مشعل دانش بتابد ، اجازه نمیداد روستائیان به هیچ يك
از حقوق اجتماعی و ملی خود آشنا گردند .

«بیخبری مطلق» - «جهل محض» و «قبول ظلم وستم»
خصوصیاتی بود که در سیستم «مالکیت بزرگ» ، همه روستاها
وقراء و قصبات سرزمین ما را دربر گرفته بود - این خصوصیات
همان شرایطی بود که استعمار گران برای ادامه سلطه و چپاول
دیرینه خود پیدان نیازمند بود .

بنابراین ، «فتودالیسم» همانگونه که کانون و پایگاهی
مستحکم برای استعمار دیرین بود ، همانگونه که رژیم
ارباب و رعیتی از محورهای قابل اتکاء نظام فاسد حاکمه
بود ، این سیستم ، کانون همیشگی توطئه برضد موجودیت
ملت ایران و مقابله با هر گونه جنبش تحول طلب و آزادی بخش بود .
بدین کیفیت ارزش و اعتبار قیام ششم بهمن ماه مشخص
میکرد و هم بدین سبب حزب پان ایرانیست تنها ارگان
سیاسی و منضبط کشور ما بود که روزششم بهمن در امر تصویب
ملی شرکت نمود و پاسخ «آری» داد .

اکنون بساط کهنه فتودالیسم برهم ریخته شده است ،
در راه جلوگیری از این تحول عظیم اجتماعی از سوی استعمار -
گران و دشمنان ملت ایران توطئه های بسیار صورت گرفت که
یکی پس از دیگری با شکست روبرو گردیده است .

لکن نکته اساسی این است آنچه تاکنون صورت
گرفته است تمامی تحول و پایان کار نیست - ما هنوز
در آغاز این مبارزه بزرگ قرار داریم ، ششم بهمن مسد
تحول و دگرگونی است که خود در بتری از همه آرمان
ها و آرزوهای ملت ایران برای وصول به آزادی و
نیرومندی قرار دارد .

تحول عظیم ششم بهمن هنگامی با موفقیت کامل
انجام خواهد شد که همه اقدامات هملک و در پیته چنین
بستری شناخته شود .

در واقع همه امور دیگر سازمانهای اجتماعی باید
هم آهنگ با تحولات ششم بهمن گردد - پایگاههای استعمار
در هر کجا و با هر شکل که هست باید درهم کوبیده شود ،

شعار آزادی و نیرومندی و سر بلندی ملت ایران
باید در هر مورد راهنمای همه مسئولان و کوشندگان امور
اجتماعی باشد .

اگر دیگر کانونهای استعمار برهم کوبیده نشود - اگر
آخرین بقایای نفوذ و سلطه استعمار گران بر چیده نگردد -
اگر فساد اداری و عدم آهنگی سازمانهای مسئول باین
تحولات عظیم هر چه زودتر ریشه کن نگردد و سازمانهای
اداری و اجتماعی برستی خود را هم آهنگ با روح قیام
ششم بهمن و آرمانهای تاریخی و اجتماعی ملت ایران ن سازند ،
در راه انجام این تحولات خطرانی بسیار ما را تهدید
خواهد کرد .

اکنون دشمن در کمین نشسته است ، تا در فرصت
مناسب پایگاههای از دست رفته را بچنگ آورد - اکنون بسیاری
از عوامل شناخته شده استعمار ، بسیاری از کسانی که آگاهانه یا
نا خود آگاه با منطق استعمار گران اندیشه و ادراک میکنند ، همچنان
مسئولیت های مهمی را در اختیار دارند ، چنین کسانی
نمی توانند اجرا کننده آرمانها و آرنک های آن جنبش
عظیم ملی و دگرگون طلب باشند که ششم بهمن در بستر آن
جنبش بوجود آمده است .

مسئله خطیر و حائز اهمیت این نکته است که
دستگاههای اجرائی و سازندگان نظم اجتماعی کسانی
باشند که عمیقاً روح تحولات ششم بهمن را در یابند و به
ناسیونالیسم تاریخی و اجتماعی ایران که بستر راستین
این تحولات است آگاهی و اعتقاد داشته باشند .

در راه انجام این مهم است که باید کوششی عظیم
بخطا بدست آوردن پیروزیهای عظیم برای ملت ایران
صورت گیرد .

محسن پز شکپور

حکایت اخبار ایران

● شاهنشاه آریامهر ساعت یازده و پانزده دقیقه دیروز بوقت
وین بایک هواپیما شرکت ملی هواپیمائی وارد پایتخت انریش شدند .
با اینکه دیدار شاهنشاه از انریش خصوصی و غیر رسمی است
معمداً حضرت فرانس یواس رئیس جمهوری انریش و معاونان و وزارت
خارج و روسای تشریفات ریاست جمهوری و وزارت خارجه در فرودگاه
از معظم له استقبال کردند .

● ساعت چهار بعد از ظهر دیروز در استادیوم محمد -
رضا شاه پهلوی در حضور و الاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی مراسمی از
سوی کمیته پیکار ملی با پیسوادی برپا بود و در پایان مراسم مسئولین بخش -
های فرهنگی جوایزی دریافت داشتند .

● شاهنشاه آریامهر دیروز در پیامی که بمناسبت
افتتاح کلاسهای پیکار با پیسوادی استان مرکز فرستادند همه
مردم کشور را بهمکاری با سازمانهای آموزشی و کمیته ملی پیکار با
پیسوادی فرا خواندند .

شرط اساسی برای پیروزی

ایران باشد تکمیل شود از این
سر آغاز مناسب سود بسیار نصیب
ملت ایران خواهد گشت . بلافاصله
پس از انتشار اعلامیه جزوه کوچکی
از طرف حزب پان ایرانیست منتشر
گردید که در آن بررسی
انتقادی و تکمیلی اوابیش گانه
پرداخته و ضمن آن نکات بسیاری در
باره چگونگی تکمیل لواپیش ذکر
داده شده بود .

پاره ای از نکات تکمیلی که
عنوان شده بود بشرح زیر است :
در مورد سپاه دانش ، ما
ب لزوم اصلاحاتی در قانون نظام
وظیفه اشاره نمودیم و عقیده داشتیم
و داریم که خدمت وظیفه نباید
منحصربخداست دفاعی باشد بلکه
باید بهمه انواع خدمات آموزشی
بهداشتی ، درمانی ، عمرانی و
ارشادی تعمیم یابد .

اقدام بتاسیس سپاه بهداشت
و ترویج گامهای بلندی در راه
تحقق قسمتی از آرزوهای ما بود
ولی هنوز در این زمینه گامهای
بلند دیگری میتوان برداشت که
از آن جمله قرار دادن تعلیمات
نظامی ضمن سالیهای تحصیل و ایجاد
سپاهی برای رهبری و ارشاد نسل
جوان میباشد .

در مورد فروش کارخانه های
دولتی ما طرح تاسیس بورس
صنعتی دولتی را عنوان کردیم و
عقیده داریم با چنین اقدامی ،
در صورتیکه برای کارگران در
خرید سهام این بورس حق تقدم
قائل شوند گام بلندی در راه
ایجاد پیوند خانواده های کارگر
بواحدهای تولید برداشته شده
است و دیگری کارگران خود را
بصورت مزدوران ، سرگردان
احساس نخواهند کرد .

در مورد سهمی کردن کارگران
در سود کارخانه ها توصیه ما آن
بود که سهم آنان بصورت سهام
بورس صنعتی پرداخت شود تا از
این راه قسمتی از پس اندازهای
کوچک در راه سرمایه گذاری بکار
رود .

اینها نمونه هایی از توصیه -
های تکمیلی ما در مورد لواپیش
شش گانه بود . آنچه در اینجا
شایان توجه است ، تنها این
توصیه هائست بلکه همه تر از آن این
اصل است که در مورد هر اقدام اصلاحی
تنها کافی نیست که به ستایش و
تحمید آن بپردازیم بلکه باید
افکار عمومی را عادت دهیم که
به تجزیه و تحلیل اقدامات بپردازند
و اصول نهفته در اقدامات را
در یابند و بدفاع از آن اصول
بپردازند .

دفاع اصولی از اقدامات
اصلاحی ضامن حفظ موجودیت
و تکامل آتی می باشد .

در مورد رابطه اصلاحات ارضی
که در حقیقت مهمترین اصل
انقلاب ششم بهمن بشمار میرود تا
با خلع یداز فتودالهای سابق
زمینه را برای اقدامات اساسی
میسازد . در صورتیکه دگرگونی
اساسی ایران بر بنیاد اندیشه های
ناسیونالیستی ایجاد میکند که
سختی از رفرم سیستم کشاورزی

در عراق عرصه

آزاده شماسهت ، علت امر این
است که من خود جوانی آزاده و
حقیقت طلب هستم و همیشه آرزویم
پیشرفت و ترقی ملت و وطنم ایران
عزیز بوده و خواهد بود . از این
رو روزنامه شمارا چنین دریافتیم
که هر فرد ایرانی را برای آزادی
حقوقش بیدار و احساسی را که در
قلب هر جوان ایرانی وجود دارد
زنده میکند ، این بود که روزنامه
مبارز شمارا به مطبوعات دیگر
ترجیح دادم و تصمیم گرفتم حقایق
چند برای شما افشاء و بازگو کنم
و از درد درونی خویش باشما
گفتگو کنم .

قبل از هر چیز میخواهم
خود را در یک کلمه معرفی کنم
من یک جوان (آشوری) هستم
که مانند همه جوانان ایرانی
دوستدار آب و خاکم هستم ، آب
و خاکی که در آن متولد و پرورش
یافته ام و دوستدار شاهنشاه آریا
مهر هستم که مرا از هر نوع آزادی
بهرمند ساخته .

روزنامه دلیر خاک و خون ،
من نیز مانند هر فرد ایرانی از
دستگاه حاکمه عراق کمال تنفر را
دارم شاید این انزجار چند برابر
از هر فرد دیگر میباشد باین دلیل
که بجز دولت جیره خوار عراق
بنوار مرزی وطن ما هجوم آورده
و نوار مرزی ایران را بیاد مسلسل
و خمپاره گرفته ، دلیل دیگری این
است که این دستگاه مغفور عرصه
زندگی را بر آشوری ها که از
گوشت و خون من هستند و باید چون
من از حقوق اجتماعی آن کشور

برخوردار باشند ، تنگ کرده ،
گوئی در قرن بیستم زندگی نمیکند .
روزنامه دلیر خاک و خون
هرگز نباید فراموش کند که کرد
های دلیر تنها در کوهستانهای
شمال عراق نمی چنگند بلکه باید
بداند که آشوری ها نیز با آنها
هستند و این حق که شما آن را برای
کردها صحبت میکنید مال آشوری ها
نیز هست در صورتیکه شما هرگز
نامی از آنان نمیبینید رانچاست
که حقیقت پامال میشود از شما
استعدا دارم دلآوری و بی باکی
خود را برای مردم آشوری نیز
ثابت کنید و صدای دلآوران آنها
را بجهانیان برسانید و از ظلمی
که در کشور مغفور عراق نسبت به
این قوم اجرا میشود سخن گوئید .

در آخر از روزنامه دلیر خاک و خون
میخواهم همچنانکه از حقوق
اکراد بطور احسن دفاع میکنید ،
حقایق دیگری از افراد دیگری
از همان گوشه گوشه بدوش کرد ها
می چنگند به مردم بازگو کنید و
از حقوق آنان نیز دفاع کنید و نام
تاریخی آنان را باردیگر بکوش
جهانیان برسانید و برای همیشه
این قوم را مدیون خود سازید .
این خواست همه جوانان آشوری
است .

در عالتیرین سطح نیز سازمان
مجهری نیازمندیم که مانند مغز
نیرومندی بعمل پردازد و همه
امکانات طبیعی و انسانی را در راه
رسیدن بهدفعای رفرم کشاورزی
بسجج نماید و طرحهای گوناگونی
را در سطح کشور تهیه کند و موقع
اجرا بگذارد و هم اقدامات
دستگاههای مختلف را در کار
های مربوط به رفرم کشاورزی
هم آهنگی بخشد .

بدین ترتیب لزوم دو گونه
سازمان که یکی عالیتیرین واحد
هدایت کننده میباشد و دیگری
واحد اجرائی در پائین ترین
سطح برای ما مشخص میگردد
و چنین واحدهای سازمانی نه در سطح
بالا و نه در سطح روستاها تاکنون
بوجود نیامده است و از این رو باید
اعزان داشت که هنوز یکس
تحول کشاورزی ایران مغز دوست
های خود را نیافته است .

وجود سازمانهای یادشده ، بی -
هیچ شک و تردید لازم است
ولی مسئله بزرگی که در حین
ایجاد اینگونه واحد ها پیش
می آید مسئله هم آهنگ ساختن
چنین سازمانی با سایر سازمانهای
کشوری است ، اینجا است که ما
عقیده نداریم سازمان هدایت تحول
کشاورزی جایگاه تازه ای برای
دو باره کاری گردد و این چنین

نیز در آن خون که نیز در بره پاسداری لیتخ خاک

حکایت اخبار جهان

● بانو ایندیرا گاندی نخست وزیر تازه هند دیشب در نخستین
نطق رسمی خود گفت که اعلامیه تاشکند محیط تازه ای در روایط هند
و پاکستان بوجود آورده و عند آنچه را که در کنفرانس تاشکند مورد
موافقت قرار گرفته محترم خواهد شمد .

● پرنسیت جانسون دیشب بزرگترین بودجه دولت آمریکا را
در تاریخ این کشور بکنگره تسلیم کرد ، رئیس جمهوری آمریکا در بودجه
جدید ۶۰ میلیارد و پانصد میلیون دلار اعتبار برای امور دفاعی در سال
مالی آینده درخواست کرده است .

● بعلت ادامه جنگ در ویتنام بودجه دفاعی آمریکا در سال مالی
آینده چهار میلیارد دلار نسبت به بودجه سال قبل افزایش
یافته است .

● خبرگزاری فرانسه در گزارشی از سایگون نوشته است که
در سراسر جبهه های جنگ ویتنام زدو خورد های پراکنده ای میان
نیروهای متخاصم جریان دارد .

● گزارشهای رسیده نشان میدهد که ایجاد یک خط تلفنی
مستقیم میان دهلی نو و راولپنڈی ممکن است یکی از نتایج اعلامیه
تاشکند باشد .

● رژیم کمونیست آلبانی دیروز ب سفرو وزیر خارجه ژاپن
بمسکو وامضای قرارداد از این و شوروی بستنی حمله کرد و آنرا
قسمتی از یک توطئه بزرگ علیه مردم آسیا نامید .

● سخنگوی نیروی هوایی آمریکا در سایگون گزارش
داد که یک هواپیمای ناو هواپیمابر هورنت در ۱۶ کیلومتری جنوب
شرقی هافونگ سرنگون گردیده و سه سرنشین آن ناپدید گردانده ، این
هواپیماهنگامی که مشغول عملیات اکتشافی در خلیج تونکن بود بعلت
نامعلومی سقوط کرده است .

کنفرانس باشکوه

پاسداران دیرین آئین شاهنشاهی ایران زمین بشما ، بشما
سربازان دلیر حزب پان ایرانیست ، بشما پدید آورندگان
آئین «خاک و خون» و دوستداران گرامی نامه خاک و خون
درود می فرستم .

باشد ، روزی برسد ، که کردان دلیریکه هم اکنون
در زیر گلوله های آتشین دشمنان به نبرد در جاوند خود ادامه
میدهند ، دست در دست سایر خواهران و برادران ایرانی
خود در راه سر بلندی و سرفرازی ملت ایران گام بردارند .
برای بیان احساسات خود ، هیچ ارمغانی شایسته تر از شعر
شیوای شاعره گرامی دوشیزه شهر بانو باوند نیافتم که
هم اکنون آنرا نیز می کنم و آنگاه شعر «عقابان از گرس»
را در میان کف زدنهای شدید بخوانند .

در این موقع آقای محسن پز شکپور رهبر حزب
پان ایرانیست پشت تریبون قرار گرفتند و به تفصیل راجع
به حقوق ملت ایران در غرب و خلیج فارس و تجاوزات دولت
عراق سخن گفتند .

پس از سخنرانی ایشان آقای دکتر روحبخش نامه
رهبر حزب پان ایرانیست را با و ناتند دبیر کل سازمان ملل -
متحد خواندند که متن آن عیناً در این شماره درج میشود .
در خاتمه آقای دکتر محمد رضا عاملی تهرانی
قائم مقام اول رهبر حزب پیرامون ذوب آهن صنعتی شدن
ایران صحبت کردند که متن آن در این شماره بنظر
خوانندگان میرسد .

مباحث ناسیونالیسم ایران

است که برایشان گران و نامفهومی نماید ، فعلا از تحلیل آن میگذریم
و میگوئیم هر سازمان اداری باید خشتی از فلان بنا باشد . هر
خواننده ای که این جمله را مرور میکند درمی یابد که مقصود این
است که سازمانهای اداری باید نسبت بیکدیگر دارای یک ارتباط
منطقی باشند و همانطور که هر خشت بنا بارو وظیفه ای را بدوش
دارد که در نتیجه ترکیب و هم آهنگی خشتها ، کل بنا موجودیت پیدا
می کند .

سازمانهای اداری هم باید هم آهنگ باشند و موجودیت آنها
ناشی از تقسیم منطقی وظایف کلی باشد . اگر کسی باین شعار اعتراض
داشته باشد ناچار باید با مفهوم مخالف آن موافقت داشته باشد ، یعنی
معتقد باشد که سازمانهای اداری نباید هر یک ما نند خشت بنای عظیمی
باشند بلکه باید هر یک روش جداگانه ای داشته باشند و نباید هم آهنگ
باشند بلکه هر یک باید برضد دستگاه دیگری قیام کنند و خود کلمگی و
تضاد دستگاههای اداری باید هر گونه اقدامی مفید و موثر را غیر موثر
و زیان بخش سازد ! اگر جناب آدمیزاد شمار ما را بدلیل تعصب
کور کورانه ای که نسبت به انارشیزم و هر چه و مرج طلی دارند ، مورد
اعتراض قرار داده اند ما با ایشان هیچ ایرادی نداریم . زیرا همانگونه
که ما ناسیونالیستها به سنن شکوهمند و روح نظم و انضباط معتقدیم
این نکته را هم بخوبی میدانیم که دشمنان ناسیونالیسم و عناصر ضد ملی
هر یک بگونه ای خاص نسبت به هم سنن پز شکوه و هر گونه نظم و
همبستگی بغض و عناد میورزند و همه جا از هر چه و مرج ، ناسامانی و
تجزیه طلبی دفاع می کنند ، در این شمار نیز چون سخن از لزوم
همبستگی و هم آهنگی سازمانهای اداری بمان آمده است آدمیزاد
به تخطئه آن پرداخته است .

ممکن است انسان بسیار خوش باوریکه هنوز به عمق تبلیغات
عناصر بین المللی پی نبرده است تحلیل بالا را در مورد علت اعتراض
(آدمیزاد) بشمار ماقبول نکند و بگوید (آدمیزاد) ! در مورد لزوم
هم آهنگی سازمانهای اداری اعتراضی ندارد ولی میگوید هم آهنگی
سازمانهای اداری نباید در راه استقرار نظم ملی باشد بلکه باید در
راه استقرار نظم دیگری بکار رود .

این خود سخنی است در خور بحث که اینک باختصار در مورد
آن اشاره می کنیم .